



## نقش موقعیت جغرافیایی افغانستان در مناسبات اقتصادی منطقه‌یی

معاون سرمحقق عبدالوهاب همدرد\*

### چکیده

افغانستان در بین سه حوزه اقتصادی - فرهنگی منطقه آسیای جنوبی، آسیای میانه و آسیای غربی قرار دارد. این موقعیت فرصت مناسب برای اتصال منطقه‌یی را از طریق افغانستان فراهم نموده است. اما نسبت به نبود مسیرهای مطمئن ترانسپورتنی و راه‌های ارتباطی لازم، فرصت روابط بازرگانی و اقتصادی سودمند و سازنده مهیا نشده است. سئوالات اصلی تحقیق حاضر این است که بحران اقتصادی افغانستان در پیوند با رقابت‌های سیاسی - اقتصادی قدرت‌های منطقه و فرامنطقه را کدام عوامل تشکیل داده است؟ آیا راه‌های حل جهت بیرون رفت در زمینه مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقوی افغانستان وجود دارد و یا خیر؟ هدف از نوشتن این مقاله، شناسای موقعیت خاص جغرافیای افغانستان و نقش این کشور در تعاملات تجاری و اقتصادی میان کشورهای آسیایی می‌باشد. این تحقیق، با روش تحلیلی - توصیفی، معلومات مورد نیاز را از منابع کتابخانه‌یی استفاده خواهد کرد.

**واژگان کلیدی:** موقعیت جغرافیایی، توسعه، آسیای، افغانستان، اتصال منطقه‌یی.

## مقدمه

افغانستان از نگاه مساحت حدود ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع است و در جهان در رده چهل و یکمین کشور و در قاره آسیا یازدهمین کشور می‌باشد. لذا، از لحاظ مساحت و موقعیت جغرافیایی خویش از اهمیت زیادی برخوردار است. این مساحت و موقعیت جغرافیایی، کشور را به‌حیث پل ارتباطی کشورهای آسیای میانه - شرقی و شمالی - جنوب آسیا قرار داده است. از یک جهت افغانستان نقطه‌ی تقاطع آسیای میانه، غرب و جنوب آسیا می‌باشد. از سوی دیگر افغانستان با قرار گرفتن در یک موقعیت جغرافیایی خاص می‌تواند، از فرصت‌های اقتصادی زیادی در زمینه‌ی تجارت و ترانزیت برخوردار شده و از آن برای توسعه، بازسازی و نوسازی کشور استفاده کند. گرچه در چند سال گذشته تلاش‌هایی برای بهره‌مندی از این موقعیت و فرصت‌ها صورت گرفته است، اما تا حال نتایج ملموسی را در پی نداشته است. ولی با آن هم به‌صراحت می‌توان گفت که افغانستان مناسبات خوب اقتصادی با کشورهای آسیای میانه و سرشار از منابع انرژی گاز، برق، نفت داشته و در جنوب و شرق آن دو کشور پاکستان و هند که سخت نیازمند و تشنه‌ی انرژی و موادخام‌اند، قرار گرفته است. این موقعیت، برای افغانستان اهمیت جیوپلیتیک، جیواکونومیک و جیواستراتژیک ویژه‌ی بخشیده است.

به‌دلیل موقعیت جیواکونومیک خویش، افغانستان می‌تواند تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری‌های منطقی گردد. موجودیت منابع سرشار طبیعی در افغانستان، گسترش روزافزون روابط تجاری میان کشورهای منطقه و جهان، موجودیت سرشار منابع خام در منطقه، امتداد دهلزهای شمال - جنوب و شرق - غرب آسیایی، زمینه تجارت به آسیای میانه را فراهم می‌سازد. منحیث «مرکز ثقل جغرافیایی»، افغانستان قابلیت آن را دارد تا در برنامه همکاری اقتصادی منطقی آسیای میانه که بالای پروژه‌های سرک، انرژی، و تجارت سرمایه‌گذاری می‌نماید، نقش ویژه‌ای را بازی کند. از جمله شش دهلز شناسایی شده از همکاری اقتصادی منطقی آسیای میانه، سه دهلز آن از افغانستان عبور می‌کند. شبکه‌های سرک و خط‌آهن، افغانستان را به جهان بیرونی وصل کرده و می‌تواند چهار

منطقه مختلف را با یک دیگر وصل نماید. به‌علاوه، سرک‌های ولایت‌ها، شهرها، شهرک‌ها، و قریه‌جات افغانستان در داخل کشور را به‌طور مؤثر با هم وصل می‌کنند. موقعیت جغرافیایی افغانستان، ثبات پایدار اقتصادی و توسعه سیاسی کشورهای همسایه و منطقه را با توسعه و ثبات این کشور پیوند زده است، در حقیقت، برای کشورهای محصور در خشکی هم‌چون افغانستان و جمهوری‌های آسیای میانه همگرایی منطقی ضروری است. افزایش همگرایی منطقی نه‌تنها تجارت و ارتباط درون منطقی را افزایش می‌دهد، بلکه با ایجاد ارتباط این حوزه با بازارهای خارجی به‌گونه‌ی گسترده همگرایی را فراتر از بازار منطقه در سطح اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد. بدین ترتیب افغانستان با اتصال شبکه‌های مواصلاتی به سرحدات کشورهای هم‌جوار، دسترسی به امکانات توزیع انرژی برق و استفاده از موقعیت جغرافیایی برای وصل حوزه‌های فعالیت سازمان‌های همکاری شانگهای، سارک و اکو می‌تواند بر محاط بودن خشکی خود فایق آید.

هدف از نوشتن این مقاله علمی - تحقیقی شناسایی موقعیت خاص جغرافیای افغانستان و نقش این کشور در تعاملات تجاری و اقتصادی میان کشورهای آسیایی می‌باشد. بحران اقتصادی افغانستان در پیوند با رقابت‌های سیاسی - اقتصادی قدرت‌های منطقه و فرامنطقه را کدام عوامل تشکیل داده است؟ آیا راه‌های حل جهت بیرون رفت در زمینه مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقی افغانستان وجود دارد و یا خیر؟ تحقیق‌ها به‌اساس روش‌های تحلیلی - توصیفی و معلومات مورد نیاز را کتب، راپورها و سایت‌های انترتی و تحلیل آماری تشکیل داده است.

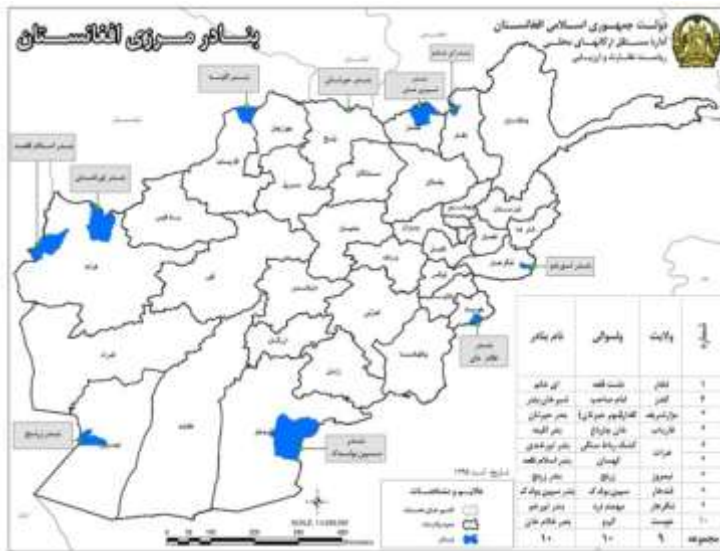
## ۱. حدود و موقعیت جغرافیایی افغانستان

از نظر جغرافیایی، افغانستان از شمال با کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان از غرب با ایران و جنوب و شرق آن خط فرضی دیورند و در قسمت شمال شرقی آن چین قرار دارد. کشور افغانستان در مجموع با همسایگان خود ۵۸۸۵ کیلومتر مرز مشترک دارد. این

کشور با همسایگان شمالی خود ۲۴۵۲ کیلومتر، با چین حدود ۹۶ کیلومتر، با ایران ۹۲۵ کیلومتر و با خط فرضی دیورند حدود ۲۳۱۰ کیلومتر مرز مشترک دارد (نصرتی، ۱۳۹۷: ۱۹). از لحاظ موقعیت جغرافیایی در نیم کره شمالی و نیم کره شرقی قرار داشته و تقریباً در وسط آسیا و محاط به خشکه و از لحاظ توپوگرافی یک کشور کوهستانی است. براساس تقسیمات هندسی، بین عرض البلد ۲۹ درجه و ۳۸ درجه و طول البلد ۶۰ درجه و ۷۴ درجه قرار دارد. این موقعیت، افغانستان را در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار داده است. شمالی ترین نقطه‌ی کشور «مامای بدخشان» و جنوبی ترین آن «کشته گان غر در هلمند» می باشد (نصرتی، ۱۳۹۷: ۲۰).

## ۲. تأثیر موقعیت جغرافیای در توسعه کشورها

موقعیت جغرافیایی یک کشور از نظر بعضی دانشمندان حوزه علوم طبیعی و انسانی توری گفته شده است که علت اصلی نابرابری های جهان می باشد و توسعه و ناتوانی کشورها ناشی از تفاوت های جغرافیای آن ها می باشد. مانند کشورهای آفریقایی، امریکای مرکزی و کشورهای آسیای جنوبی که در برابر خط سرطان و خط جدی قرار گرفته اند و کشورهای ثروتمند در مناطق معتدل و مناسب آب و هوا واقع شده اند. این نظریه ها آن قدر محسوس نبوده ولی در قالب نظر است. افغانستان از لحاظ شکل هندسی به شکل یک دنباله دار، منطقه واخان قرار داشته که از یک سو پاکستان را از تاجیکستان جدا نموده و از طرف دیگر این دنباله (واخان) باعث گردیده که یک مرز مشترک را با چین تشکیل دهد. بنادر کشور باعث ایجاد توسعه ی اقتصاد کشور در اولویت قرار داشته و راه های مهم ترانزیتی را با کشورهای منطقه هموار ساخته است. (نصرتی، ۱۳۹۷: ۱۹-۲۰).



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی و بنادر تجاری در افغانستان، (همدرد: ۱۳۹۸ ص ۱۸۴).

موقعیت خاص جغرافیای افغانستان عوامل توسعه و شکوفایی افغانستان را فراهم آورد، ولی در طول تاریخ میدان رقابت بین کشورهای مختلف جهان قرار گرفته و مانع پیشرفت مردم این سرزمین شده است. در قرن نوزدهم افغانستان خط حایل میان دو قدرت روسیه و انگلستان بود. در قرن بیستم و با شروع جنگ سرد، به میدان جنگ نیابتی آمریکا و شوروی وقت تبدیل شد. در قرن بیست و یک نیز کماکان میدانی برای رقابت کشورهای منطقه و جهان است.

در چندسال گذشته با وجود این که یک فرصت طلایی برای تقویت سکتور اقتصادی و کارهای زیربنایی وجود داشت ولی بنابر عدم کارایی دولت، این فرصت از بین رفته ولی با آن هم، عدم موفقیت این تلاش‌ها چیزی را از اهمیت جغرافیایی افغانستان در منطقه نکاسته است. فعلاً نیز یک فرصت خوب در زمینه‌های رشد و تقویت اقتصادی داریم تا پلان‌های ناتکمیل را در جریان انداخته و در شکوفایی و ترقی مملکت گام مؤثر برداشته باشیم. با تلاش دولت و مردم می‌توانیم که این فرصت‌ها را جنبه عملی داده و افغانستان را از این وضعیت بحرانی نجات دهیم.

### ۳. اهمیت موقعیت جیوپولیتیک، استراتژیک و جیواکونومیک افغانستان

افغانستان از نگاه موقعیت جغرافیایی در مرکز آسیا (قلب آسیا)، حیثیت چهارراه بین (آسیای میانه، جنوب آسیا، شرق آسیا و خاورمیانه) در قاره آسیا دارد. راه ابریشم در طول قرون متمادی، علاوه بر پویایی اقتصادی، منتج به انتقال دانش، فکر، فرهنگ و عقیده با تأثیرگذاری عمیق روی تاریخ و تمدن جهان گردید. هم‌چنین در میان چهار منطقه‌ی پرجمعیت جهان و سرشار از منابع معدنی و غول اقتصادی (چین) در دنیا در وسط آسیای جنوبی، آسیای میانه و شمالی، و در شرق خلیج فارس و اروپا قرار دارد (غبار، ۱۳۹۰: ص ۱۳۱). افغانستان به‌مثابه حلقه وصل حوزه آسیای میانه و جنوب آسیا، زمینه‌ای را فراهم ساخته، تا بتواند در راستای موفقیت پروژه‌های بزرگ اقتصادی منطقه و... نقش فوق‌العاده مهم داشته باشد.

افغانستان به‌دلیل موقعیت استراتژیک خود به‌عنوان پل ارتباطی بری میان شبه قاره هند، آسیای میانه و خلیج فارس از اهمیت جیوپولیتیک و اقتصادی به‌سزایی برخوردار است. نظر بعضی از متخصصین بین‌المللی این است که بیشتر مشکلات امنیتی و ثبات جهان از شرق میانه و منطقه‌ی که افغانستان را احاطه کرده است، سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، امنیت و ثبات افغانستان نه تنها برای مردم افغانستان بلکه برای تمام جهان اهمیت حیاتی دارد. برخلاف چین و فدارتیف روسیه دیگر کشورها عمده دسترسی عملی به ذخایر بزرگ انرژی آسیای میانه و منطقه‌ی دریای کاسپین نداشته و در تلاش این هستند تا از این منابع در چوکات روابط اقتصاد بازار مستفید گردند. افغانستان می‌تواند یکی از گزینه‌ها برای احداث زیربنای انتقال منابع انرژی باشد. هم‌چنین از لحاظ هایدرلوژی افغانستان غنی و سرشار از آب‌های شیرین در آسیا قرار دارد. این امر باعث می‌گردد که اگر آب‌های خویش را به‌صورت درست و تخیکی مدیریت نماید بدون شک به بزرگ‌ترین تولیدکننده برق در آسیا مبدل می‌گردد در پهلوئی استیشن‌های برق، می‌توان هزاران فابریکه‌های تولیدی صنعتی احداث کرد و در منطقه رقابت نمود (<https://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=4122>).

موقعیت جیواکونومیک، جیواستراتژیک و جیوپولیتیک افغانستان از نگاه تاریخی بسیار مهم است. موقعیت آن در مسیر راه ابریشم باستانی، آسیای جنوب و جایگاه آن در

میان کشورهای مهم و با هم همسایه، عواملی اند که به‌عنوان مزیت و هم‌چنان نقطه ضعف برای کشور به‌اساس این که فرصت‌ها چگونه توسط دولت استفاده‌گردیده‌اند، است. یکی از مزیت‌های مهم افغانستان استفاده از آن به‌عنوان کانون ترانزیت و ترانسپورت میان آسیای میانه و جنوب آسیا است.

یکی از عوامل دخیل در دسترسی به انرژی، مسأله جیوپولیتیک هر کشور است. افغانستان به‌لحاظ موقعیت جیوپولیتیکی می‌تواند نقش سازنده‌یی در انتقال انرژی بین کشورهای منطقه بازی کند. افغانستان به‌خاطر همجواری با کشورهای آسیای میانه به‌عنوان یکی از منابع مهم انرژی در منطقه و جهان می‌تواند در انکشاف اقتصاد منطقه نقش اساسی داشته باشد. از آنجایی که کشورهای آسیای میانه محاط به خشکه هستند، انتقال نفت و گاز از این منطقه به بازارهای مصرف، نیازمند ایجاد خطوط لوله‌های متنوع است. موقعیت جیوپولیتیک افغانستان این پتانسیل را دارد تا انتقال انرژی آسیای میانه را به جنوب آسیا تسهیل و به‌عنوان یک محور در بخش ترانزیت انرژی ظهور کند (علیرضایی: 1390: 120).

افغانستان به‌عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر ترانزیتی بین آسیای میانه و آسیای جنوبی، نقش کلیدی در باز کردن پتانسیل هم‌تکمیلی تجاری بین این دو منطقه و در نتیجه ایجاد تجارت نو در کل منطقه دارد. در مقایسه با مسیرهای جایگزین، افغانستان می‌تواند کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیرهای جاده‌یی، خطوط آهن و خطوط انتقال گاز و برق بین آسیای میانه و جنوبی فراهم کند (سروش، 1394: ۴۸۲).

انتقال کالا از کشورهای اروپای به آسیای جنوبی و انتقال خطوط لوله گاز و نفت و نیز انتقال برق از مسیر افغانستان می‌تواند پیامدهای مثبت بر مسایل سیاسی و اقتصادی کشور داشته باشد. هم‌چنین باعث استحکام روابط بین کشورهای همسایه‌گردیده، صلح و ثبات به ارمغان می‌آورد.

پروژه‌های انتقال انرژی «کاسا 1000» و انتقال گاز از طریق پروژه تابی و راه‌های مهم ترانزیتی مانند راه‌بریشم و راه‌لاچورد خطوط راه‌های آهن که از افغانستان می‌گذرد و کشورهای منطقه را به هم وصل می‌کند و با منابع آبی وافر، با مدیریت آن از نقطه عطف و قابل توجه می‌باشد. اگر دولت امارت اسلامی افغانستان با درایت و زیرکی کامل این پروژه‌ها را جنبه عملی دهد بدون شک افغانستان از لحاظ اقتصادی و سیاسی منعیث یک کشور مقتدر در سطح منطقه و جهان خواهد



شکل ۲: نقشه توسعه اقتصادی افغانستان (۱۱)

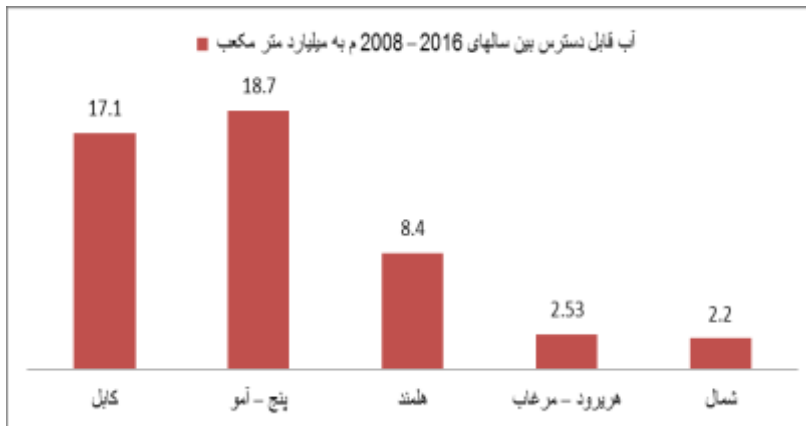
بنابراین می‌خواهم یک نظر اجمالی در بخش آب‌ها که یکی از منابع خوب اقتصادی بوده و با مدیریت آن روابط خوب و حسنه را می‌توان بین کشورهای منطقه به ارمغان آورد.

#### ۴. آب‌های سطحی افغانستان و توسعه و تحکیم مناسبات منطقوی

آب یکی از منابع طبیعی بزرگ است که در قدرت اقتصادی و روابط کشورها بسیار مؤثر می‌باشد. آب نقش اساسی در روابط منطقوی و بین‌المللی دارد و در آینده افغانستان نیز یکی از بارزترین کشورهای مقتدر از لحاظ داشتن منابع آبی (آب‌های جاری و شیرین) در منطقه و جامعه جهانی جایگاه خاص سیاسی و اقتصادی را خواهد داشت. لذا می‌توان یادآور شد که امروزه موضوع آب یکی از مسایل مهم افغانستان است. البته این بدان معنا نیست که مدیریت آب‌های افغانستان کشمکش‌ها را میان افغانستان و همسایگانش افزایش می‌دهد، بلکه مدیریت آب‌های افغانستان کشورهای همسایه افغانستان را وادار می‌کند تا برای به‌دست آوردن امتیاز در زمینه آب، همکاری‌های خود را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی با افغانستان گسترش دهند و از

هر راه ممکن همکاری افغانستان را با خود داشته باشند. به این ترتیب، افغانستان با مدیریت درست آب‌های خود و دیپلماسی سازنده با کشورهای همسایه می‌تواند از این منابع برای صلح، بازسازی و توسعه در افغانستان و گسترش روابط سودمند با کشورهای منطقه استفاده کند.

از این رو افغانستان دارای پنج حوزه آبی کابل - آندوس، آمو، هلمند، هریرود - مرغاب و حوزه آبی شمال می‌باشد. ارزیابی ظرفیت آب‌های سطحی در پنج حوزه دریایی کشور با استفاده از ارقام ساحوی ۱۲۵ استیشن خودکار هایدرو لوجیکی طی ۹ سال (۲۰۰۸ الی ۲۰۱۶ میلادی)، در حوزه‌های فرعی و اصلی صورت گرفته که مقدار آن قرار شرح ذیل می‌باشد: حوزه آبی آمو از جمله بزرگ‌ترین حوزه آبی کشور با داشتن ۱۸,۷ میلیارد متر مکعب آب بوده متعاقباً کابل - آندوس با داشتن ۱۷,۱ میلیارد متر مکعب آب، هلمند ۸,۴ میلیارد متر مکعب آب، هریرود - مرغاب ۲,۵۳ میلیارد متر مکعب و شمال ۲,۲ میلیارد متر مکعب آب را دارا می‌باشد. از این رهگذر ما می‌توانیم بزرگ‌ترین بندهای برق را در کشور داشته باشیم و نه تنها برق کافی برای خود بلکه بزرگ‌ترین صادرکننده برق در منطقه خواهیم بود.



شکل 3: مقدار آب‌های سطحی در پنج حوزه دریایی کشور در مقطع زمانی (۲۰۱۶ - ۲۰۰۸) به میلیارد متر مکعب

از آنجایی که دسترسی به ارقام و معلومات هایدرو لوجیکی اساس برنامه‌ریزی جهت توسعه منابع آبی در افغانستان می‌باشد، به منظور مهار آب‌های سطحی و مدیریت آن در

کشور و استفاده معقول از آن جهت توسعه و انکشاف اقتصاد ملی کشور می‌افزاید (مجموع مقالات، 1401: 57-59).

قابل یادآوری است که ظرفیت آبی پنج حوزه دریایی بین سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۸۰م به مقدار ۵۷ میلیارد مترمکعب و بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۶م به مقدار ۴۹ میلیارد مترمکعب پذیرفته شده است.

در مجموع مقدار آب در پنج حوزه دریایی کشور در دو مقطع زمانی بین سال‌های (۱۹۴۸-۱۹۸۰) و (۲۰۰۸-۲۰۱۶م) به‌طور مقایسوی ۱۳،۷۰ فیصد کاهش آمده است (مجموع مقالات، 1401: 57-59).

نظر به تشریحاتی که درباره آب افغانستان ارایه شد، چنین نتیجه به‌دست می‌آید که در قسمت انکشاف پایدار و مناسبات آن با کشورهای منطقه گزینه‌های خوب و مناسب جهت تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی منابع آبی کشور است. هم‌چنین قرار گرفتن سرچشمه‌های بسیاری از دریا‌های افغانستان که سرانجام به کشورهای همسایه سرازیر می‌گردد، فرصت مهمی برای افغانستان در تدوین مناسبات با استفاده از این فرصت جیوپولیتیک فراهم نموده است (<https://www.khoranzameen.net/php/read.php?id=4122>).

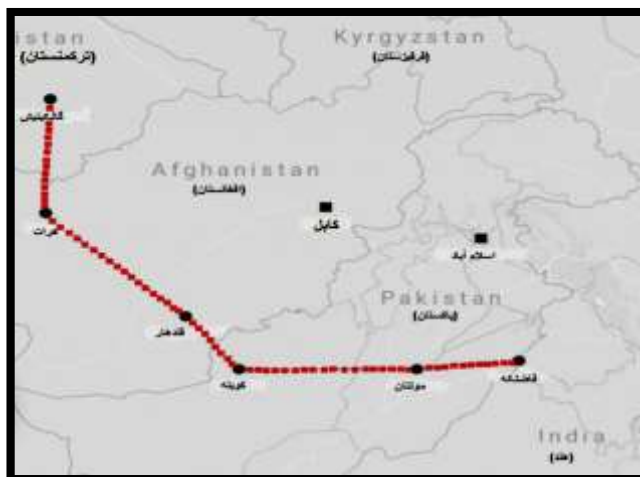
## ۵. افغانستان نقطه اتصال انرژی کشورهای آسیای میانه و کشورهای جنوب آسیا

افغانستان به‌عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر ترانزیتی بین کشورهای آسیای میانه و آسیای جنوبی می‌باشد. موقعیت جغرافیای اقتصادی افغانستان به‌دلیل قرار گرفتن آن در مسیر راه‌بریشم و جایگاه خاص آن در میان کشورهای همسایه که سرشار از منابع انرژی می‌باشد، از خصوصیت بارز آن در منطقه و جهان محسوب می‌گردد. یکی از مزایای کشور قرار گرفتن در مسیر راه‌های ترانزیتی بین کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا است. از این لحاظ افغانستان نظر به موقعیت خاص جغرافیای که دارد، نقش اساسی را در تقویت بخشیدن اقتصاد منطقه دارد. از سوی دیگر از لحاظ موقعیت ژئوپولیتیکی خویش و محصور بودن آن در خشکه بزرگ‌ترین راه یا مسیر

خطوط لوله‌های گاز از کشورهای آسیای میانه که در شمال آن واقع است به کشورهای جنوب آسیا خوانده می‌شود.

یکی از پروژه‌های بزرگ در سطح منطقه را تاپی تشکیل می‌دهد. پروژه تاپی که از افغانستان عبور می‌نماید منبع ذخایر گاز طبیعی است که از ترکمنستان از شهر دولت آباد - دوماز از شرق ترکمنستان سرچشمه گرفته از قندهار به ملتان و از آنجا الی جنوب پنجاب رسیده و داخل خاک هند می‌گردد. طول مجموعی آن ۱۷۰۰ کیلومتر بوده که به مقدار ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز را انتقال می‌دهد. این راه مستقیم‌ترین، کوتاه‌ترین و کم هزینه‌ترین راه را تشکیل داده و مانعی سر راه انتقال آن وجود ندارد. طرح پلان اولیه آن در سال ۱۹۹۰م مطرح گردیده بود که این مسله یک بار دیگر در سال ۲۰۰۸م مطرح و توافق چهار کشور در آن نهایی گردید.

طرح انتقال این لوله گاز در سه مرحله تطبیق خواهد شد که مرحله اول آن گاز به ملتان - پاکستان رسیده و مرحله دوم آن به گوادر در شرق بلوچستان امتداد خواهد یافت و از آن گاز مایع شده را به کشور چپان و کشورهای دوردست نیز خواهد رساند. مرحله سوم آن امتداد به سمت هند خواهد بود. در پهلوی روابط نیک با کشورهای همسایه، بیش از ۱۲ درصد سود که مبلغ ۵۰۰ میلیون دالر می‌شود، به عنوان حق العبور نیز در بر دارد. هم‌چنین زمینه کار را برای ۱۲ الی ۱۴ هزار نفر در مسیر این خط فراهم خواهد نمود. قرارداد آن در سال ۲۰۱۰م در اسلام‌آباد به امضا رسید و کار عملی آن در سال ۲۰۱۵م توسط مقامات بلندپایه چهار کشور شروع شد.



شکل ۴: سیمایی از خط لوله گاز طبیعی پروژه تابی (وریج کاظمی: ۱۴۰۰ص.۴۰۱)

به همین گونه پروژه دیگری که در چند سال گذشته روی دست گرفته شده و شرایط را برای ایفای نقش اقتصادی افغانستان فراهم ساخت است، پروژه برق کاسایک هزار است. این پروژه به عنوان یکی از مهم ترین زیرساخت های بازار منطقه یی انرژی برق، با ظرفیت انتقال 1300 مگاوات برق از کشورهای قرغیزستان و تاجیکستان به کشور پاکستان، بستر بسیار مناسبی را برای آغاز معاملات خرید و فروش انرژی برق در منطقه فراهم می نماید. با انتقال انرژی برق از آسیای میانه به آسیای جنوبی از مسیر افغانستان، منافع اقتصادی مشترک کشورهای آسیای میانه و آسیای جنوبی در یک تجارت منطقه یی تأمین خواهد شد. نقش افغانستان به عنوان یک کشور مؤثر در ترانزیت انرژی برق در منطقه تثبیت گردیده و در عین حال حضور و کسب عواید حاصل از ترانزیت انرژی برق در این پروژه، عاملی برای تقویت ثبات و رشد اقتصادی افغانستان خواهد بود (وریج کاظمی، 1400: 401).

در صورت اجرای این پروژه، افغانستان در مدت 15 سال، سالانه مبلغ 45 الی 56 میلیون دالر به عنوان کشور ترانزیت عاید خواهد داشت. افغانستان در هر کیلووات ساعت برق که از طریق این کشور به پاکستان صادر می شود 1.255 سنت حق العبور دریافت خواهد کرد. از طرف دیگر

انتقال برق کاسا ۱۰۰۰ می‌تواند تا افغانستان را از فشار مالی حاصل از واردات سوخت و هم‌چنان بهبود خدمات کمک نماید. افغانستان از این پروژه 300 میگاوات برق را به قیمت نازل خریداری خواهد کرد.



شکل 5: شیمای از لین برق کاسا ۱۰۰۰ (وریج کاظمی، ۱۴۰۰: ۴۰۳)

با انتقال انرژی برق از آسیای میانه به آسیای جنوبی از مسیر افغانستان، منافع مشترک کشورهای آسیای میانه و آسیای جنوبی در یک تجارت منطقه‌یی تأمین خواهد شد. نقش افغانستان به‌عنوان یک کشور مؤثر در ترانزیت انرژی برق در منطقه تثبیت گردیده است (وریج کاظمی، 1400: 403).

## ۶. راه‌های ترانزیتی افغانستان در توسعه روابط کشورهای منطقه و جهان

افغانستان پل ارتباطی ترانزیت زمینی بین کشورهای منطقه و کشورهای اروپایی به جنوب و شرق آسیا می‌باشد. جاده ابریشم نوین به نام «کمر بند و راه» از مهم‌ترین راه‌های ترانزیتی تاریخی آسیا به‌شمار می‌رود. این راه از مناطق مختلف اروپا عبور نموده و در

افغانستان رسیده و کشورهای غربی را با کشورهای آسیای جنوبی و شرق آسیا وصل می‌نماید. هدف از احیای جاده ابریشم ایجاد یک منطقه‌ی اقتصادی یک پارچه، هماهنگ و بر مبنای سیاست اقتصادی برد - برد در مسیر کشورهای جاده ابریشم قدیم گفته می‌شود. اما جاده نوین ابریشم متکی به کشورهایی که در مسیر جاده قرار دارد نبوده بلکه توسعه آن حتی به کشورهای جنوب شرقی و جنوب آسیا از جمله پاکستان نیز گسترش یافته است. هدف اساسی از احیای مجدد این جاده توسعه‌ی ترانزیت و حمل و نقل کالا میان کشورهای منطقه می‌باشد.



شکل ۶: شیمای طرح راه ابریشم نوین، (وریج کاظمی: ۱۴۰۰ص ۴۰۷)

راه ابریشم نوین نظر به طرح فعلی آن دارای سه مسیر شمالی، مرکزی و جنوبی است که هر کدام از اهمیت خاص اقتصادی، ترانزیتی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است. مناطقی که در این حوزه (راه نوین ابریشم) واقع شده است نزدیک به 45 درصد تمام جمعیت جهان (بیش از سه میلیارد نفر) را در بر دارد.

۱. بخش مسیر شمالی، کشور چین را از طریق کشورهای آسیای میانه (تاجیکستان، قزاقستان، قرغزستان، افغانستان، ازبکستان و ترکمنستان) به روسیه، اروپا و شمال آفریقا وصل می‌نماید.

۲. مسیر جنوبی از چین آغاز و آسیای جنوب شرقی و جنوب و پاکستان را به ایران و خلیج فارس و هم‌چنین ترکیه و دریای مدیترانه می‌رساند.

۳. مسیر جنوبی از چین آغاز شده و به جنوب شرق، جنوب آسیا و پاکستان و اقیانوس هند ختم خواهد شد.

با احیای جاده ابریشم نقش افغانستان در تحکیم روابط میان کشورهای که در این حوزه قرار دارد مستحکم گردیده و راه را برای شکوفایی و ترقی افغانستان به ارمغان خواهد آورد.

شاهراه سالنگ راه دسترسی پاکستان به آسیای میانه می‌باشد. از طرف دیگر افغانستان در دو محور دیگر یعنی هرات - قندهار - کویته و مزار شریف - کابل - کویته، مرکز حیاتی این شبکه حمل و نقل و ارتباط می‌باشد.



شکل ۷: سیمای از طرح راه لاجورد، (10)

راه لاجورد طرح توسعه‌ی دیگری برای گسترش ترانزیت در منطقه است. سهولت‌های ترانزیتی، گمرکی و ایجاد زیربناهای حمل و نقل میان کشورهای شامل راه لاجورد، بهبود خدمات حمل و نقل در این کشورها و نیز حل مشکلات در بندرهای آبی و خشکه از مواردی است که در موافقتنامه ترانزیتی و بازرگانی لاجورد گنجانیده شده‌اند. از راه لاجورد کالاهای بازرگانی افغانستان با گذشتن از ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان، دریای سیاه و ترکیه به دریای مدیترانه و اروپا خواهد رسید. راه لاجورد کوتاه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه ترانزیتی برای کالاهای تجارتي افغانستان و کشورهای آسیایی به اروپا می‌باشد.

راه لاجورد از تورغندی و آقینه آغاز و با گذشتن از بندر ترکمن‌باشی و دریای کاسپین به آذربایجان و گرجستان می‌رسد و از آن جا با گذشتن از بندرهای پوتی و باتومی دریای سیاه به شهر قارص و بندر استانبول و در نهایت به اروپا می‌رسد. در اخیر می‌توان گفت که راه لاجورد بدیلی برای راه کراچی به اروپا می‌باشد (<https://tolonews.com/fa/business>).

### نتیجه‌گیری

افغانستان نظر به موقعیت جغرافیای و جیوایکونومیک، پل ارتباطی میان کشورهای منطقه و نیز راه ارتباطی بین ممالک غربی و شرقی را تشکیل داده است. از قدیم‌الایام جاده‌های کشور اموال و کالاهای ممالک غربی را به کشورهای شرقی انتقال می‌داد و نیز جغرافیای افغانستان ظرفیت بالقوه و خوبی برای رشد و توسعه همه‌جانبه اقتصادی را دارد. این قابلیت‌ها می‌تواند به میلیون‌ها دالر امریکایی عواید و سود خالص را در تأمین بودجه سالانه افغانستان تشکیل دهد. از طرف دیگر نقش یک بازیگر خوب را در منطقه در معاملات بزرگ اقتصادی ایفا نماید. هم‌چنین کانال ترانزیتی برای انتقال کالاهای تجاری، اینترنت و انرژی بین آسیای میانه قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان و جنوب آسیا (پاکستان و هند) باشد که چنین فرصتی از یک طرف برای افغانستان جنبه خوبی در مجامع بین‌المللی و معاملات بزرگ اقتصادی دارد و از طرف دیگر سهم قابل

توجهی در تأمین مالی بودجه ملی و برنامه‌های عمرانی و پروژه‌های سودآور افغانستان می‌تواند داشته باشد.

انتقال کالاها از کشورهای اروپایی به کشورهای آسیای جنوبی و انتقال خطوط لوله گاز و نفت و نیز انتقال برق از مسیر افغانستان می‌تواند پیامدهای مثبت بر مسایل سیاسی و اقتصادی کشور داشته باشد. هم‌چنین باعث تحکیم روابط بین کشورهای همسایه گردیده، ثبات و صلح به ارمغان می‌آورد. پروژه‌های انتقال انرژی (کاسا 1000) و انتقال گاز از طریق پروژه تابی و راه‌های مهم ترانزیتی مانند راه‌بریشم و راه‌لاچورد خطوط راه‌های آهن که از افغانستان می‌گذرد و کشورهای منطقه را به هم وصل می‌کند، نقطه عطف و قابل توجه می‌باشد. اگر دولت امارت اسلامی افغانستان با درایت و زیرکی کامل این پروژه‌ها را جنبه عملی دهد بدون شک افغانستان از لحاظ اقتصادی و سیاسی منعیث یک کشور مقتدر در سطح منطقه و جهان خواهد بود.

منابع آبی کشور ظرفیت بی‌نظیر در راستای توسعه داخلی است. البته استفاده از این منبع برای اهداف بزرگ نیازمند دیپلوماسی قوی و هوشمندانه است. بنابراین، افغانستان با مدیریت درست آب‌های خود و دیپلوماسی سازنده با کشورهای همسایه می‌تواند از این منبع برای نوسازی، بازسازی و توسعه و گسترش روابط سودمند و دوستانه با کشورهای منطقه استفاده کند.

جاده ابریشم جدید و راه‌لاچورد که در چند سال گذشته روی دست گرفته شده است فرصت دیگری است که می‌تواند در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و در کل برای توسعه در افغانستان مؤثر باشد. بنابر نتایج فوق پیشنهادات زیر ارایه می‌گردد:

۱. دولت افغانستان با درک و درایت خاص خود می‌تواند پروژه‌های ناتمام عمرانی کشور را جنبه عملی بخشیده کار را بالای آن آغاز نماید.

۲. افغانستان با مدیریت درست آب‌های خود و از راه‌های دیپلوماتیک سازنده خویش با کشورهای همسایه می‌تواند از این منبع برای نوسازی، بازسازی و توسعه در افغانستان و گسترش روابط سودمند و دوستانه با کشورهای منطقه استفاده کند.

۳. محصور بودن افغانستان به خشکه سبب مشکلات زیاد گردیده، ولی با آن هم می‌توان با روی دست گرفتن راهکارهای مناسب، این معضله را به فرصت تبدیل کرد.

## منابع و مآخذ

- ۱- سروش، حسن، (۱۳۹۳)، موقعیت جیوایکونومیک افغانستان و اهمیت آن برای اقتصاد بین آسیای میانه و آسیای جنوبی، سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری‌های منطقه‌یی، زیر نظر: دکتور فرامرز تمنا، کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه
- ۲- طنین، ظاهر، (۱۳۸۴)، افغانستان در قرن بیستم، تهران، عرفان
- ۳- علی‌رضایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، افغانستان و اهمیت انرژی، فصلنامه مطالعات استراتژیک، شماره بیست و پنجم و بیست ششم
- ۴- غبار، میرغلام‌محمد، (۱۳۸۸)، افغانستان در میسر تاریخ، پیشاور، انتشارات دارالسلام
- ۵- (۱۴۰۰)، مجموعه مقالات علمی - تحقیقی، چگونگی سازگاری با تغییرات اقلیمی و کاهش خطرات آن در کشور، کابل، انتشارات اکادمی علوم
- ۶- نصرتی، رفیع‌الله، (۱۳۹۷)، خشکسالی نیم قرن اخیر در کشور، کابل، انتشارات اکادمی علوم
- ۷- وریج کاظمی، مریم، (۱۴۰۰)، امکان‌سنجی بحران جیواکونومیک در افغانستان و تأثیرات آن بر فضای پیرامون، جغرافیا و روابط انسانی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- ۸- همدرد، عبدالوهاب، (۱۳۹۸)، تحلیل و بررسی جغرافیای طبیعی زون جنوب شرق افغانستان، رساله علمی - تحقیقی جهت ترفیع به رتبه معاون سرمحقق، ناچاپ، اکادمی علوم

### منابع انترفتی

<https://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=41229->

10 - <https://tolonews.com/fa/business>

۱۱-<https://momp.gov.af/index.php/dr/>